**(7) ترک تعصبات**

* ابهی ثمره شجره دانش این کلمه علیاست همه بار یکدارید و برگ یک شاخسار لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم (حضرت بهاءالله، اشراقات، اشراق ششم)
* اي احباي الهي از رائحه تعصب جاهلانه و عداوت و بغض عاميانه و اوهام جنسيه و وطنيه و دينيه كه بتمام مخالف دين الله و رضاي الهي و سبب محرومي انساني ازمواهب رحماني است بيزار شويد و از اين اوهامات تجرديابيد و اينه دل را از زنگ اين تعصب جاهلانه پاك و مقدس كنيد تا بعالم انساني يعني عموم بشر مهربان حقيقي گرديد و بهر نفسي از هر ملت و هر ائين و هر طائفه و هرجنس و هر ديار ادني كرهي نداشته باشيد بلكه در نهايتشفقت و دوستي باشيد شايد بعون و عنايات الهيه افق انسانی از این غیوم کثیفه یعنی تعصّب جاهلانه و بغض و عداوت عامیانه پاک و مقدس گردد . روز بروز سبب الفت و محبّت در میان جمیع ملل شوید و ابدا در امور حکومت و سیاست مداخله و تکلّم ننمائید زیرا شما را خدا بجهت وعظ و نصیحت و تصحیح اخلاق و نورانیّت و روحانیّت عالم انسانی خلق فرموده اینست وظیفه شما

(حضرت عبدالبهاء، گلزار تعالیم بهائی ص 366)

* ای دانايان امم از بيگانگی چشم برداريد و به يگانگی ناظر باشيد و باسبابی که سبب راحت و آسايش عموم اهل عالم است تمسّک جوئيد اين يک شبر عالم يک وطن و يک مقام است از افتخار که سبب اختلاف است بگذريد و به آنچه علّت اتّفاق است توجّه نمائيد نزد اهل بها افتخار بعلم و عمل و اخلاق و دانش است نه بوطن و مقام ای اهل زمين قدر اين کلمه آسمانی را بدانيد چه که بمنزله کشتی است از برای دريای دانائی و بمنزله آفتابست از برای جهان بينائی

(حضرت بهاءالله، کلمات فردوسیه، ورق هفتم)

* حضرت بهاءالله ما را از هر تعصّبی نجات داد. تعصّبات است که عالم را خراب کرده. هر عداوت و نزاعی و هر کدورت و ابتلائی که در عالم واقع شده يا از تعصّب دينی بوده يا از تعصّب وطنی يا از تعصّب جنسی يا تعصّب سياسی تعصّب مذموم و مضرّ است هر نوع باشد. وقتيکه امر تعصّبات از عالم دور شود آنوقت عالم انسانی نجات يابد. ما برای اين مقصد عزيز ميکوشيم بيست هزار نفر را فدای اين امر عظيم نموديم که در نهايت مظلوميّت بجهت رفع اين تعصّبات و حصول اخوّت و يگانگی عالم انسانی شهيد شدند. اين است عمل و جانفشانی ما که امم مختلفه را الفت داده و احزاب متنوّعه را در ظلّ کلمهء واحده در آورده. ولی سائرين فقط حرف ميزنند و يا بعضی بجهت فوائد شخصيّه و شهرت اسم خود بامور حسنه مبادرت مينمايند آنهم اموريکه محدود است. لکن بهائيان برای فوائد عمومی و خدمت بعالم انسانی و عزّت سرمدی شب و روز جاهد و ساعيند(حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت، ص 99)
* خدا جميع بشر را خلق کرده کلّ يک جنسيم اختلافی در ايجاد نداريم امتياز ملّی در ميان نيست جميع بشريم جميع از سلالهء آدم هستيم. با وجود اين وحدت بشر، چگونه اختلاف کنيم که اين آلمانی است اين انگليسی است اين فرانسه است اين ترک است اين روم است اين ايرانی است؟ اين مجرّد وهم است. آيا بجهت وهمی جايز است که نزاع و جدال کرد؟ فرقی را که خدا نگذاشته، ميتوان آن را اعتقاد نمود و اساس قرار داد؟ جميع اجناس سفيد و سياه و زرد و قرمز و ملل و طوايف و قبائل در نزد خدا يکسانست هيچيک امتيازی ندارند مگر نفوسيکه بموجب تعاليم الهی عمل نمايند صادق مهربان باشند محبّ عالم باشند رحمت پروردگار باشند. اين نفوس ممتازند خواه سياه باشند خواه زرد خواه سفيد هر چه باشند در نزد خدا اين نفوس مقرّبند اين نفوس چراغهای روشن عالم بشرند و اين نفوس درختان بارور جنّت ابهی هستند. لهذا امتياز بين بشر از جهت اخلاق و فضائل و محبّت و عرفانست نه از جهت شرقی و غربی

(حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت، ص100)

****